به نام خدا

 تا سال 1945 میلادی غالب جنگ

ها "جنگ سخت" بود. پس از آن با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و بلوک غرب، دور جدیدی از رقابت ها میان آمریکا و شوروی سابق آغاز شد که به "جنگ سرد" مشهور شد. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم بود که طی آن دو ابر قدرت در عین تهدیدهای سخت از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‏کردند.

با فروپاشی شوروی در سال 1991 میلادی و پایان جنگ سرد کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می شود با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به جنگ نرم شهرت یافت.

**جنگ نرم**

این نوع جنگ از فروپاشی شوروی شروع و تاکنون ادامه داشته و متکی بر تهدیدات نرم و قدرت نرم فرهنگی و اجتماعی است.آمریکایی ها با استفده از این نوع جنگ تاکنون موفق به تغییر چندین رژیم سیاسی در کشورهای مورد نظر شدند. انقلاب های رنگی که در چندین کشور بلوک شرق و شوروی سابق رخ داد،در واقع نمونه ای از جنگ نرم است. آمریکایی ها با استفاده از قدرت نرم موفق به تغییر رژیم های سیاسی در کشورهایی چون لهستان،گرجستان، چک اسلواکی، قرقیزستان، اکراین و تاجیکستان گردید. در تمامی این دگرگونی های سیاسی بدون استفاده از ابزار خشونت و صرفا با تکیه بر قدرت نرم و ابزار رسانه، با تغییر در ارزش ها و الگوهای رفتاری از رژیم های سیاسی حاکم مشروعیت‏زدایی گردید و از طریق جنبش‏های مردمی و ایجاد بی ثباتی سیاسی، قدرت سیاسی جابه جا شد.

جنگ نرم در قالب‏های مختلف مثل : انقلاب مخملی ، انقلاب های رنگی (انقلاب نارنجی و...)، عملیات روانی ، جنگ رسانه‏ای، با استفاده از ابزار رسانه‏ای ( رادیو ، تلویزیون، روزنامه و امثال آن) و ... توانست نظام سیاسی بعضی از کشورها ـ مانند اوکراین و گرجستان ـ را تغییر دهد.

**تعریف جنگ نرم**

مفهوم جنگ نرم (Soft Warfare) در مقابل جنگ سخت (Warfare Hard) است و تعريف واحدی كه مورد پذيرش همگان باشد ندارد.

«جان كالينز» تئوريسين دانشگاه ملي جنگ آمريكا، جنگ نرم را عبارت از “استفاده طراحي شده از تبليغات و ابزارهاي مربوط به آن، براي نفوذ در مختصات فكري دشمن با توسل به شيوه هايي كه موجب پيشرفت مقاصد امنيت ملي مجري مي شود”، مي داند.

ارتش ايالات متحده آمریکا در آيين رزمي خود آن را بدين صورت تعريف نموده است: “جنگ نرم، استفاده دقيق و طراحي شده از تبليغات و ديگر اعمالي است كه منظور اصلي آن تاثيرگذاري بر عقايد، احساسات، تمايلات و رفتار دشمن، گروه بي طرف و يا گروههاي دوست است به نحوي كه براي برآوردن مقاصد و اهداف ملي پشتيبان باشد”.با عنايت به تعاريف فوق، معروفترين تعريف را به جوزف ناي، پژوهشگر برجسته آمريكايي در حوزه “قدرت نرم” نسبت مي دهند. وي در سال1990 ميلادي در مجله “سياست خارجي” شماره 80 ، قدرت نرم را “توانايي شكل دهي ترجيحات ديگران” تعريف كرد. تعريفي كه قبل از وي «پروفسور حميد مولانا» در سال1986 در كتاب “اطلاعات و ارتباطات جهاني؛ مرزهاي نو در روابط بين الملل” به آن اشاره كرده بود. با اين وجود مهمترين كتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف ناي در سال2004 ، تحت عنوان “قدرت نرم؛ ابزاري براي موفقيت در سياست جهاني” منتشر نمود.

بنابراين جنگ نرم را مي توان هرگونه اقدام نرم، رواني و تبليغات رسانه اي كه جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگيري و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شكست وا مي دارد. جنگ رواني، جنگ سفيد، جنگ رسانه اي، عمليات رواني، براندازي نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملي، انقلاب رنگي و... از اشكال جنگ نرم است .

به عبارت دیگر جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسياري در علوم سياسي و نظامي مي باشد. در علوم نظامي از واژه هايي مانند جنگ رواني يا عمليات رواني استفاده مي شود و در علوم سياسي مي توان به واژه هايي چون براندازي نرم، تهديد نرم، انقلاب مخملين و اخيراً به واژه انقلاب رنگين اشاره كرد.در تمامي اصطلاحات بالا هدف مشترك تحميل اراده گروهي بر گروه ديگر بدون استفاده از راه هاي نظامي است.

در يك تعريف كامل تر مي توان گفت، جنگ نرم يك اقدام پيچيده و پنهان متشكل از عمليات هاي سياسي، فرهنگي و اطلاعاتي توسط قدرت هاي بزرگ جهان براي ايجاد تغييرات دلخواه و مطلوب در كشورهاي هدف است

**دلایل استفاده از جنگ نرم**

انتشار مقاله مشهور «جوزف نای» نظریه‏پرداز آمریکایی تحت عنوان «قدرت نرم» power Soft در فصلنامه آمریکایی foreign policy در سال ۱۹۹۰ دیدگاه جدیدی را به مخاطبان ارائه کرد که براساس آن ایالات متحده به جای آن که از طریق بکارگیری آنچه که قدرت سخت می نامند به انجام کودتای نظامی در کشورهای رقیب اقدام کند؛ تلاش خود را بر ایجاد تغییرات در کشورهای هدف از طریق تأثیرگذاری بر نخبگان جامعه متمرکز می کند.

براین اساس آمریکا می توانست بجای سرمایه گذاری میلیارد دلاری بر تئوری جنگ ستارگان به منظور مقابله با آنچه تهدید شوروی خوانده می شد، به سرمایه گذاری بر نخبگان جامعه شوروی از طرق مختلف اقدام کند. پس از فروپاشی شوروی جوزف نای مقاله دیگری تحت عنوان «کاربرد قدرت نرم» در فصلنامه فارن پالسی در سال ۲۰۰۴ منتشر ساخت که تکمیل کننده نظرات قبلی او متناسب با تغییرات جهان در سال های پس از فروپاشی شوروی و بویژه تحولات ناشی از واقعه یازده سپتامبر در روابط بین الملل بود.

در مقاله مذکور جوزف نای دیدگاه خود را درباره ایجاد تغییرات از طریق به کارگیری دیپلماسی عمومی در کنار بکارگیری قدرت نرم در میان نخبگان جامعه هدف مطرح کرد. بعدها نظرات او تکمیل تر شد و به عنوان دستورالعمل سیاست خارجی آمریکا تحت عنوان بکارگیری «قدرت هوشمند» Smart power به مورد اجرا گذارده شد. براساس این نظریه آمریکا با استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت هوشمند به برقراری نفوذ در بدنه جامعه هدف کمک می کند. این دیدگاه با دستورالعمل های اجرایی که توسط کارشناسان اطلاعاتی آمریکا نظیر دکتر «جین شارپ» تهیه شد، در سطح رسانه های گروهی به مفهوم «انقلاب نرم» معروف شد.

بنابراین جنگ نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین و درعین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع جنگ علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می توان با کمترین هزینه با حذف تهاجم خود قرار می دهد.

جنگ نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می کند، عزم و اراده ملت را از بین می برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست های نظام را تضعیف می کند، فروپاشی روانی یک ملت می تواند مقدمه ای برای فروپاشی سیاسی- امنیتی و ساختارهای آن باشد. جوزف نای قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب قدرت است. بر این پایه یک کشور می تواند به مقاصد موردنظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر، ارزش های آن را می پذیرند، از آن تبعیت می کنند، تحت تأثیر پیشرفت و آزاداندیشی آن قرار می گیرند و در نتیجه خواهان پیروی از آن می شوند. در این مفهوم آنچه مهم تلقی می شود، تنظیم دستورالعملی است که دیگران را جذب کند. بنابراین جنگ نرم از یکسو توانایی کسب آنچه که می خواهید از طریق جذب کردن نه از طریق اجبار و یا پاداش می باشد ( و از سوی دیگر نشان دهنده ، تفاوت های عمده آن با جنگ سخت می باشد.

**تفاوت‏های جنگ نرم و جنگ سخت**

1- حوزه تهديد نرم اجتماعي، فرهنگي و سياسي است، در حالي كه حوزه‌ تهديد سخت امنيتي و نظامي مي‌باشد؛

2- تهديدهاي نرم پيچده و محصول پردازش ذهني نخبگان و بنابراين اندازه‌گيري آن مشكل است، در حالي كه تهديدهاي سخت؛ عيني، واقعي و محسوس است و مي‌توان آن را با ارائه برخي از معيارها اندازه‌گيري كرد؛

3- روش اعمال تهديدهاي سخت، استفاده از زور و اجبار است، در حالي كه در نرم ، از روش القاء و اقناع بهره‌گيري مي‌شود. و تصرف و اشغال سرزمين است در حالي كه در تهديد نرم ، هدف تاثير‌گذاري بر انتخاب‌ها، فرآيند تصميم‌گيري و الگوهاي رفتاري حريف و در نهايت سلب هويت‌هاي فرهنگي است؛

4- مفهوم امنيت در رويكردهاي نرم شامل امنيت ارزش‌ها و هويت‌هاي اجتماعي مي‌شود، در حالي كه اين مفهوم در رويكردهاي سخت به معناي نبود تهديد خارجي تلقي مي‌گردد.

5- تهديدهاي سخت، محسوس و همراه با واكنش برانگيختن است، در حالي كه تهديدهاي نرم به دليل ماهيت غير عيني و محسوس آن، اغلب فاقد عكس‌العمل است.

6-مرجع امنيت در حوزه تهديدهاي سخت، به طور عمده دولت‌ها هستند، در حالي كه مرجع امنيت در تهديدهاي نرم محيط فروملي و فراملي (هويت‌هاي فروملي و جهاني) است؛

7- كاربرد تهديد سخت در رويكرد امنيتي جديد عمدتاً مترادف با فروپاشي نظام‌هاي سياسي- امنيتي مخالف يا معارض است، در حالي كه كاربرد تهديد نرم در رويكردهاي امنيتي جديد عليه نظام‌هاي سياسي مخالف يا معارض، مترادف با فرهنگ‌سازي و نهادسازي در چارچوب انديشه و الگوهاي رفتاري نظام‌هاي ليبرال و دموكراسي تلقي مي‌شود.

جنگ نرم نيز همانند جنگ سخت اهداف مختلفي دارد و قاعدتا هدف غايي هر دو آنها تغيير كامل نظام سياسي يك كشور است كه البته با اهداف محدودتر هم انجام مي گيرد. در حقيقت جنگ نرم و جنگ سخت يك هدف را دنبال مي كنند و اين وجه مشترك آنهاست، در هر صورت هدف اصلي اين جنگ، اعمال فشار براي ايجاد تغيير در اصول و رفتار يك نظام و يا به طور خاص تغيير خود نظام است.

**اهداف جنگ نرم**

1- استحاله فرهنگي در جهت تأثيرگذاري شديد بر افكار عمومي جامعه مورد هدف با ابزار خبر و اطلاع رساني هدفمند و كنترل شده كه نظام سلطه همواره از اين روش براي پيشبرد اهداف خود سود جسته است.

2- استحاله سياسي به منظور ناكارآمد جلوه دادن نظام مورد هدف و تخريب و سياه نمايي اركان آن نظام.

3- ايجاد رعب و وحشت از مسائلي همچون فقر، جنگ يا قدرت خارجي سركوبگر و پس از آن دعوت به تسليم از راه پخش شايعات و دامن زدن به آن براي ايجاد جو بي اعتمادي و ناامني رواني.

4- اختلاف افكني در صفوف مردم و برانگيختن اختلاف ميان مقام هاي نظامي و سياسي كشور مورد نظر در راستاي تجزيه سياسي كشور.

5- ترويج روحيه ياس و نااميدي به جاي نشاط اجتماعي و احساس بالندگي از پيشرفت هاي كشور.

6- بي تفاوت كردن نسل جوان به مسائل مهم كشور.

7- كاهش روحيه و كارآيي در ميان نظاميان و ايجاد اختلاف ميان شاخه هاي مختلف نظامي و امنيتي.

8- ايجاد اختلاف در سامانه هاي كنترلي و ارتباطي كشور هدف.

9- تبليغات سياه (با هدف براندازي و آشوب) به وسيله شايعه پراكني، پخش تصاوير مستهجن، جوسازي از راه پخش شب نامه ها و...

10- تقويت نارضايتي هاي ملت به دليل مسائل مذهبي، قومي، سياسي و اجتماعي نسبت به دولت خود به طوري كه در مواقع حساس اين نارضايتي ها زمينه تجزيه كشور را فراهم كند.

11- تلاش براي بحراني و حاد نشان دادن اوضاع كشور از راه ارائه اخبار نادرست و نيز تحليل هاي نادرست و اغراق آميز.

جنگ نرم به ابزارها و امکاناتی نیازدارد تا بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشاند.

**ابزارهاي جنگ نرم**

جنگ نرم با پشتوانه قدرت نرم انجام مي گيرد. بنابراين تمامي ابزارهاي حامل قدرت نرم را بايد به عنوان ابزارهاي جنگ نرم مورد توجه و شناسايي قرار داد. اين ابزارها انتقال دهنده پيام ها با اهداف خاص هستند. در عصر ارتباطات با تنوع ابزاري براي انتقال پيام از يك نقطه به نقطه ديگر هستيم. رسانه ها شامل راديو، تلويزيون و مطبوعات، عرصه هاي هنر شامل سينما، تئاتر، نقاشي، گرافيك و موسيقي، انواع سازمان هاي مردم نهاد و شبكه هاي انساني در زمره ابزار جنگ نرم به شمار مي‏آيند.

با توجه به اينكه در جنگ نرم از ابزار مختلفي استفاده مي شود مي توان گفت كه به همان نسبت نيز گروه هاي مختلفي را مورد هدف و مبارزه قرار مي دهد.

**چه افراد و تشكل‏هايي هدف جنگ نرم هستند؟**

همه افراد جامعه مي‏توانند بخش هاي مشخصي باشند كه مورد نظر راه اندازان جنگ نرم قرار گرفته اند و البته اين موضوع وابسته به هدفي است كه باني جنگ نرم آن را دنبال مي كند. اقشار مورد نظر بانيان جنگ نرم بستگي به هدف آنها دارد كه ميان مدت است يا عمومي و با توجه به هدف اقشار را تحت نظر مي گيرند اما در حالت كلي مي توان گفت كه گروه هاي هدف در جنگ نرم، رهبران، نخبگان و توده هاي مردم هستند. نخبگان نيروهاي مياني را تشكيل مي دهند و مي توانند به عنوان تصميم گيران و تصميم سازان يك حكومت مطرح باشند. نخبگان جامعه مدني مانند رهبران احزاب و... هم با آشفتگي ذهني خود، مي توانند ترس را به ذهن مردم انتقال دهند، وحشت ايجاد كنند و روحيه ملت را درهم بشكنند.

در بعضي موارد براي رسيدن به اهداف مورد نظر خود گروه ها و اشخاص خاص و تأثيرگذار را مورد هدف قرار مي دهند و از آن گروه يا فرد براي رسيدن به اهداف خود استفاده مي كنند. مانند استفاده از قوميت هاي مختلف يا خواص و نخبگان فرهنگي وعلمي.

با توجه به اينكه در جنگ نرم از ابزارهاي رسانه اي، فرهنگي و علمي استفاده مي شود پوشش آن براي طبقات مختلف بيشتر و متفاوت تر است. جنگ رسانه اي مي تواند توده هاي مردم را تحت تأثير قرار بدهد و به همين شكل در جنگ علمي نخبگان را مورد هدف قرار دهد. افراد مورد نظر جنگ هاي نرم وابسته به هدف جنگ هاي نرم نيستند بلكه به دليل اينكه در جنگ نرم ابزارهاي مختلفي مورد استفاده قرار مي گيرد در نتيجه افراد بيشتري درگير مي شوند اما در جنگ سخت كه تنها ابزار مورد استفاده ابزار نظامي است تنها گروه هاي نظامي (و در موارد معدودي غير نظاميان) در طرف مقابله قرارمي گيرند.

در جنگ نرم علاوه بر استفاده از ابزارهای رسانه های، فرهنگی و علمی برای نفوذ در طبقات و اقشار مختلف از تاکتیک های متنوعی مختلفی استفاده می شود.

**تاكتيك‏هاي جنگ نرم**

1- برچسب زدن: بر اساس اين تاكتيك، رسانه ها، واژه هاي مختلف را به صفات مثبت و منفي تبديل كرده و آنها را به آحاد يا نهادهاي مختلف نسبت مي دهند

2- تلطيف و تنوير: از تلطيف و تنوير (مرتبط ساختن چيزي با كلمه اي پر فضيلت) استفاده مي شود تا چيزي را بدون بررسي شواهد بپذيريم و تصديق كنيم.

3- انتقال: انتقال يعني اينكه اقتدار، حرمت و منزلت امري مورد احترام به چيزي ديگر براي قابل قبول تر كردن آن منتقل شود.

4. تصديق: تصديق يعني اينكه شخصي كه مورد احترام يا منفور است بگويد فكر، برنامه يا محصول يا شخص معيني خوب يا بد است. تصديق فني رايج در تبليغ، مبارزات سياسي و انتخاباتي است.

5- شايعه: شايعه در فضايي توليد مي شود كه امكان دسترسي به اخبار و اطلاعات موثق امكان پذير نباشد.

6- كلي‏گويي: محتواي واقعي بسياري از مفاهيمي كه از سوي رسانه هاي غربي مصادره و در جامعه منتشر مي شود، مورد كنكاش قرار نمي گيرد. توليدات رسانه هاي غربي در دو حوزه سياست داخلي و خارجي، مملو از مفاهيمي مانند جهاني شدن، دموكراسي، آزادي، حقوق بشر و... است. اينها مفاهيمي هستند كه بدون تعريف و توجيه مشخص، در جهت اقناع مخاطبان در زمينه اي مشخص بكار گرفته مي‏شوند.

7- دروغ بزرگ: اين تاكتيك قديمي كه هنوز هم مورد استفاده فراوان است، عمدتاً براي مرعوب كردن و فريب ذهن حريف مورد استفاده قرار مي‏گيرد.

8- پاره حقيقت‏گويي: گاهي خبر يا سخني مطرح مي شود كه از نظر منبع، محتواي پيام، مجموعه اي به هم پيوسته و مرتب است كه اگر بخشي از آن نقل و بخشي نقل نشود، جهت و نتيجه پيام منحرف خواهد شد.

9- انسانيت‏زدايي و اهريمن‏سازي: يكي از موثرترين شيوه هاي توجيه حمله به دشمن به هنگام جنگ (نرم و يا سخت)، «انسانيت‏زدايي» است. چه اينكه وقتي حريف از مرتبه انساني خويش تنزيل يافت و در قامت اهريمني در ذهن مخاطب ظاهر شد، مي توان اقدامات خشونت آميز عليه اين ديو و اهريمن را توجيه كرد.

10- ارائه پيشگويي‏هاي فاجعه‏آميز: در اين تاكتيك با استفاده از آمارهاي ساختگي و ساير شيوه هاي جنگ رواني (از جمله كلي‏گويي، پاره حقيقت‏گويي، اهريمن‏سازي و ...) به ارائه پيشگويي‏هاي مصيبت‏بار مي‏پردازند كه بتوانند حساسيت مخاطب را نسبت به آن افزايش داده و بر اساس ميل و هدف خويش افكار وي را هدايت نمايند.

11- قطره‏چكاني: در تاكتيك قطره‏چكاني، اطلاعات و اخبار در زمان هاي گوناگون و به تعداد بسيار كم و به صورتي سريالي ولي نا منظم در اختيار مخاطب قرار مي گيرد تا مخاطب نسبت به پيام مربوطه حساس شده و در طول يك بازه زماني آن را پذيرا باشد.

12- حذف و سانسور: در اين تاكتيك سعي مي شود فضايي مناسب براي ساير تاكتيك هاي جنگ نرم به ويژه شايعه خلق شود تا زمينه نفوذ آن افزايش يابد. در اين تاكتيك با حذف بخشي از خبر و نشر بخشي ديگر به ايجاد سوال و مهمتر از آن ابهام مي پردازند و بدين ترتيب زمينه توليد شايعات گوناگون خلق مي شود.

13- جاذبه هاي جنسي: استفاده از غریزه‏ی جنسی و نمادهاي اروتيكال از تاكتيك‏هاي مهم مورد استفاده رسانه هاي غربي است به طوري كه مي توان گفت اكثر قريب به اتفاق برنامه هاي رسانه هاي غربي از اين جاذبه در جهت جذب مخاطبان خويش به ويژه جوانان كه فعالترين بخش جامعه هستند، بهره مي‏گيرند.

14- ماساژ پيام: در ماساژ پيام، از انواع تاكتيك هاي گوناگون (حذف، كلي گويي، پاره حقيقت گويي، زمان بندي، قطره چكاني و...) جنگ نرم استفاده مي شود تا پيام بر اساس اهداف تعيين شده شكل گرفته و بتواند تصوير مورد انتظار را در ذهن مخاطب ايجاد كند. در واقع در اين متد ، پيام با انواع تاكتيك ها ماساژ داده مي شود كه از آن مفهوم و مقصودي خاص برآيد.

15- ايجاد تفرقه و تضاد: ازجمله اموري كه در فرآيند جنگ نرم مورد توجه واقع مي شود، تضعيف از طريق تزريق تفرقه در جامعه هواداران و حاميان حريف است. ايجاد و القاء وجود تضاد و تفرقه در جبهه رقيب باعث عدم انسجام و يكپارچگي شده و رقيب را مشغول مشكلات دروني جامعه حاميان خود مي كند و از اين طريق از اقتدار و انرژي آن كاسته و قدرتش فرسوده شود.

16- ترور شخصيت: در جنگ نرم بر خلاف جنگ سخت ، ترور فيزيكي جاي خود را به ترور شخصيت داده است. در زماني كه نمي‏توان و يا نبايد فردي مورد ترور فيزيكي قرار گيرد با استفاده از نظام رسانه اي و انواع تاكتيك ها از جمله بزرگ نمايي، انسانيت‏زدايي و اهريمن سازي، پاره حقيقت گويي و... وي را ترور شخصيت مي كنند و از اين طريق باعث افزايش نفرت عمومي و كاهش محبوبيت وي مي شوند. دشمنان انقلاب و نظام اسلامي نیز با استفاده از اين تاكتيك و بهره گيري از ابزار طنز، كاريكاتور، شعر، كليپ هاي كوتاه و... كه عموماً از طريق اينترنت و تلفن همراه ، پخش مي شود به ترور شخصيت برخي افراد سياسي و فرهنگي موجه و معتبر در نزد مردم مي پردازند.

17- تكرار: براي زنده نگه داشتن اثر يك پيام با تكرار زمان بندي شده، سعي مي كنند اين موضوع تا زماني كه مورد نياز هست زنده بماند. در اين روش با تكرار پيام، سعي در القاي مقصودي معين و جا انداختن پيامي در ذهن مخاطب دارند

18- توسل به ترس و ايجاد رعب: در اين تاكتيك از حربه تهديد و ايجاد رعب و وحشت ميان نيروهاي دشمن، به منظور تضعيف روحيه و سست كردن اراده آنها استفاده مي شود. متخصصان جنگ نرم، ضمن تهديد و ترساندن مخاطبان به طرق مختلف به آنان چنين القاء مي كنند كه خطرات و صدمه هاي احتمالي و حتي فراواني بر سر راه آنان ممكن كرده است و از اين طريق، آينده اي مبهم و توام با مشكلات و مصائب براي افراد ترسيم مي كنند.

19- مبالغه: مبالغه يكي از روشهايي است كه با اغراق كردن و بزرگ نمايي يك موضوع، سعي در اثبات يك واقعيت دارد. كارشناسان جنگ رواني، از اين فن در مواقع و وقايع خاص استفاده مي كنند. غربي ها همواره با انعكاس مبالغه آميز دستاوردهاي تكنولوژيك خود و اغراق در ناكامي هاي كشورهاي جهان اسلام سعي در تضعيف روحيه مسلمانان در تقابل با تمدن غربي دارند.

20- مغالطه: مغالطه شامل گزينش و استفاده از اظهارات درست يا نادرست، مشروح يا مغشوش و منطقي يا غيرمنطقي است، به اين منظور كه بهترين يا بدترين مورد ممكن را براي يك فكر، برنامه ، شخص يا محصول ارائه داد. متخصصين جنگ نرم، مغالطه را با «تحريف» يكسان مي دانند. اين روش ، انتخاب استدلال ها يا شواهدي است كه يك نظر را تاييد مي كند و چشم پوشي از استدلال ها يا شواهدي كه آن نظر را تائيد نمي كند

**اصول و روش‏های مقابله با جنگ نرم**

اما چه کار کنیم تا بتوانیم با بهره‏گیری از ساز و کارهای مختلف از اعمال تهدیدات نرم پیشگیری کنیم و یا از دامنه اثرات اجتماعی فرهنگی و سیاسی آن ها را کاست و یا از میان برد.

براي مقابله با جنگ نرم، نخست بايد ويژگي‌هاي اين نوع جنگ را آناليز كرده و خوب بشناسيم و بدانيم كه جنگ نرم با جنگ سخت، چه تفاوت‌هايي دارد. آنچه در جنگ سخت مورد هدف قرار مي‌گيرد، جان انسان‌ها، تجهيزات، امكانات و بناهاست كه معمولا در اين مواقع با استفاده از همين مسائلي كه مورد هدف قرار گرفته است، افكار عمومي عليه دشمن فعال مي‌شود، در حالي كه در جنگ نرم آن چه هدف قرار مي‌گيرد، افكار عمومي است.

براي دستيابي به اين هدف، بايد بيش از گذشته رسانه‌ها را مورد توجه قرار دهيم و افكار عمومي داخلي و جهاني را نسبت به دروغ‌پردازي رسانه‌هاي خارجي، آگاه كنيم.

اين دو مهم فقط با تقويت رسانه‌هاي خودي و تلاش براي بين‌المللي كردن اين رسانه‌ها، ميسر است. ديپلماسي رسانه‌اي در سياست خارجي هر كشور به دو صورت تحقق مي‌يابد؛ يكي مديريت رسانه‌ها توسط سازمان‌هاي ديپلماتيك رسمي كشور و ديگري به صورت خودجوش و در راستاي سياست‌هاي كلان كشورها.

هر ملتي و كشوري داراي منابع قدرت نرم است كه شناسايي و تقويت و سازماندهي آن ها مي تواند براساس يك طرح جامع تبديل به يك فرصت و هجوم به دشمنان طراح جنگ نرم شود. به عنوان مثال، منابع قدرت نرم در ايران را مي توانيم «ايدئولوژي اسلامي»، «قدرت نفوذ رهبري»، «حماسه‏آفريني‏ها» و «درجه بالاي وفاداري ملت به حكومت» برشمریم.

**برخی راه‏های مقابله با جنگ نرم**

1. گسترش دامنه و شمول فعاليت‏هاي فرهنگي.

2. افزايش محصولات فرهنگي تأثيرگذار بر جامعه و جوانان.

3. ایجاد راه‏های مشروع برای ارضاء نیازهای مردم.

4. استفاده از ديپلماسي عمومي.

5. استفاده از راهبردهاي ويژه در مورد اقوام و اقليت‏ها: اقليت‏هاي جامعه اغلب به سبب داشتن احساس نابرابري، مستعد مخالفت‏ورزي عليه نظام حاكم هستند و دشمنان فرامنطقه اي يكي از ميدان هاي فعاليت خود را در كشورهايي كه داراي تنوع قوميت هاست، قرار مي دهند. اما زماني كه نظام مستقر با انجام راهبردهاي مناسب در مناطق محروم و دور از مركز و اختصاص بودجه هاي لازم در قالب طرح هاي توسعه همه جانبه خصوصا طرح هاي اشتغال زا و به كارگيري مديريت هاي توانمند در اين مناطق و با روحيه جهادي و بسيجي مشغول خدمت به مردم شدند، مي توانند آن احساس را كم كنند يا از ميان بردارند.

6. عمليات رواني متقابل: در مقابله با جنگ نرم نبايستي منفعلانه عمل كرد. عاملان تهديد نرم از انواع تبليغات، فنون مجاب سازي روش هاي نفوذ اجتماعي و عمليات رواني به منزله روش هاي تغيير نگرش ها، باورها و ارزش هاي جامعه هدف استفاده مي كنند. انجام تبليغات هوشمندانه، سريع با قدرت منطق و انديشه و احاطه ذهني بر مخاطبان جنگ نرم مي تواند يكي از روش‏هاي مقابله باشد.

7. آگاهی‏بخشی عمومی.